



برای عاشقی که معسوق بر شستید

دکتر سید محمد صدر

بکار بود تو بود عشق بود و امید
بهار رفت و نور و هر چه بود گذشت

بود و هیچ چیز را برای خود نمی خواست. او عاشق مردم بود و فدایی آنان. می خواهم از آخر شروع کنم و سپس نقیبی به گذشته بزنم.

در جبهه جنگ با متجاوزین بعثی که هشت سال به طول انجامید، ادبیات ویژه‌ای در میان رزمندگان شکل گرفت که به صورت خاطره، شعر، فیلم، موسیقی و ضرب‌المثل درآمد. یکی از این ادبیات ویژه مطرح شدن بعضی اصطلاحات بود که بعضاً در همان دوره جنگ به پایان رسید

چه می توان گفت در سوگ مردی که تمام زندگی‌اش ایده‌اش بود و عشق به مردم برای رساندن آنان به آرزوهایشان.

چه می توان گفت در مورد برادرم، دوستم، یارم که نیم‌قرن در کنارش بودم و به جز خوبی، معرفت، فداکاری، ایمان، ایثار و خدمت به خلق خدا، انگیزه‌ای دیگر در او ندیدم.

آری دکتر فریدون سیامک‌نژاد این گونه بود. مردی از تبار عاشقان خالق و خلق و فدایی آرمان‌های انسانی و آزادی خواهانه. او عدالت طلب

فداکارش و فرزندان گرامی او و مادر داغ‌دیده‌اش و دوستان و همکاران داروساز و شاگردان وی تسلیت عرض می‌کنم و برای او آمرزش الهی و برای بازماندگان صبر جمیل آرزو می‌نمایم. دکتر فریدون سیامک‌نژاد در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده داروسازی دانشگاه تهران شد و از همان ابتدا در کنار فعالیت‌های علمی و اشتغال به تحصیل به فعالیت دینی و سیاسی پرداخت. او از شرکت‌کنندگان ثابت مسجد دانشگاه تهران و نماز جماعت بود و در سخنرانی‌های مختلف مذهبی در دانشگاه و خارج از آن شرکت می‌کرد.

حضور دائم در سخنرانی دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد و دیگر اماکن از جمله مسجد جلیلی، مسجد جاوید و مسجد قبا و شرکت در سخنرانی شهید مطهری در دانشگاه صنعتی شریف و ... از برنامه‌های دائمی او بود.

تأسیس کتابخانه دانشجویی که در واقع یک نوع مبارزه ضد رژیم بود، از فعالیت‌های او در کنار دیگر برادران و خواهران دینی قرار داشت. رهبری اعتراضات و اعتصابات دانشجویی که معمولاً در روز ۱۶ آذر آغاز می‌گردید، در دانشکده داروسازی به عهده او بود و با شجاعت تمام آن را اداره می‌کرد.

او از ورزشکاران درجه یک دانشکده داروسازی بود و عضو اصلی تیم فوتبال و کوهنوردی دانشکده به حساب می‌آمد.

در برنامه‌های کوه‌نوردی جهت جذب دانشجویان به اسلام و جلوگیری از کمونیست شدن آن‌ها نقش بسیار فعالی داشت.

که از جمله این اصطلاحات نوربالا زدن بود. این اصطلاح را رزمندگان در مورد فردی به کار می‌بردند که روز به روز در جبهه از جنبه‌های مختلف رزمی و عملیاتی و به‌ویژه از بعد معنوی رشد می‌کرد و تعالی می‌یافت. در کنار فعالیت رزمی روزانه، این فرد به عبادت شبانه‌گاهی و نماز و دعا و استغاثه می‌پرداخت و با خدای خود خلوت می‌کرد. در این شرایط رزمندگان می‌گفتند فلانی نوربالا می‌زند. یعنی خود را برای شهادت آماده می‌کند و چه بسا بسیاری به این سعادت دست یافتند.

واقعیت این است که من در دکتر سیامک‌نژاد، در چند سال اخیر، تحولاتی را دیدم که با آن شرایط رزمندگان هم‌خوانی داشت. یعنی دکتر سیامک‌نژاد نوربالا می‌زد.

در او تغییراتی ایجاد شده بود که گویا خود را برای یک مرحله ویژه دیگر آماده می‌کند. عبادات شبانه در کنار فعالیت روزانه و تفسیر روزانه از قرآن مجید از او شخصیتی ساخته بود که گویا دیگر به این دنیا وابستگی ندارد. آری او آماده شهادت شده بود. شهادت در راه خدا و برای خدمت به خلق خدا و برای درمان مبتلایان بی‌نویایی که راه به جایی نمی‌بردند. حالا دیگر سیامک یک قرآن‌پژوه انسان دوست خردگرا شده بود.

«شهادت گوارایش باد»

من این مرگ عزتمند را به خانواده محترم دکتر سیامک‌نژاد و به‌ویژه همسر محترم و

در نهایت، در سال ۱۳۵۱ دستگیر و به ۵ ماه زندان محکوم شد و به همین دلیل بعد از اخذ دکترای داروسازی در دوران سربازی او را سرباز صفر کردند.

دکتر سیامک‌نژاد از همان زمان استعداد هنری نیز داشت و نقاشی و موسیقی را تا حدی به کار می‌گرفت. این استعداد او عامل اصلی حضورش در مجله گل آقا بعد از انقلاب بود.

بعد از انقلاب، دکتر سیامک‌نژاد به فعالیت سیاسی و فرهنگی پرداخت و ضمن پذیرفتن مسؤولیت معاونت وزارت کار در دولت مهندس موسوی، در دوره بعد به عضویت انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران درآمد و در آن نقش فعالی داشت. این قسمت مربوط به فعالیت‌های مدنی او بود. ادامه زندگی دکتر سیامک‌نژاد به فعالیت تخصصی او در رشته داروسازی اختصاص داشت که در بخش‌های مختلف این رشته، به مدیریت پرداخت.

مدیریت داروخانه‌های دانشکده داروسازی دانشگاه تهران در دوران جنگ تحمیلی از افتخارات دکتر سیامک‌نژاد است، زیرا در این دوره، به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ، کشور با کمبود دارو به صورت جدی مواجه بود و این داروخانه‌ها آخرین امیدگاه مردم مستضعفی بود که به آنجا مراجعه و داروی خود را دریافت می‌کردند.

مسؤولیت دیگر دکتر سیامک‌نژاد در شرکت سهامی دارویی کشور بود که وظیفه آن واردات داروهایی بود که در ایران ساخته نمی‌شد.

دکتر سیامک‌نژاد با موفقیت تمام این دوره از

مدیریت را نیز پشت سر گذاشت. قائم مقامی معاونت داروی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از مسؤولیت‌های دیگر دکتر بود که نظارت جامع و کاملی به تمام امور دارویی کشور داشت و امور دارویی را کنترل می‌کرد.

طرح ژنریک که از افتخارات صنعت داروسازی ایران است و توسط داروسازان مسؤول و متعهد به اجرا درآمد و باعث شد تا جنبه علمی داروسازی به بعد تجاری آن فائق آید، از فعالیت دیگر او بود.

دکتر سیامک‌نژاد در نهایت در دو شرکت پخش دارویی هجرت و فردوس به فعالیت پرداخت و مدیرعامل این دو شرکت شد و با مسؤولیت‌پذیری که در او بود فعالیت‌های شرکت‌ها را ارتقا بخشید.

خلاصه این که دکتر سیامک‌نژاد یک داروساز مسؤول و متعهد در تمام ابعاد مختلف این رشته بود که خدمات بسیاری به این دانش و مردم ایران ارایه نمود.

■ و اما کلام آخر

نشریه‌ای که اکنون در دست شما داروسازان عزیز است حاصل تلاش‌های شبانه‌روزی دکتر سیامک‌نژاد در کنار دکتر سرکندی و دیگر اعضای هیئت تحریریه است که اگر او نبود این مجله شکل نمی‌گرفت. تجربه دکتر سیامک‌نژاد در زمینه مطبوعاتی باعث شد تا جرأت لازم به این حقیر داده شود که امتیاز مجله‌ای برای داروسازان اخذ شود تا نیازهای علمی و اجتماعی آنان برطرف

دکترسیامک‌نژاد نبود، انتشار این مجله تحقق پیدا نمی‌کرد.
**روحش شاد و یادش گرامی و عروج
عاشقانه‌اش مقبول حق.**

گردد و در واقع، ارگان داروسازان ایران باشد. با تلاش‌های دکترسیامک‌نژاد مجله رازی به این جایگاه دست یافت و سی و دومین سال فعالیت خود را آغاز نمود.
تأکید مکرر در این باره ضروری است که اگر

